

راهکارهای جامع دین برای پیچیده‌ترین بحران خانواده

حکمت منفورترین حلال

است تا طلاق به زخمی عمیق و دائمی در روان طرفین و به ویژه فرزندان تبدیل نشود. نوع دیگر و یک مرتبه بالاتر طلاق انسانی و به احسان (جدایی محترمانه) است. ... «فَأَمَّا كَإِذَا بَعَّرَ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ...» (سوره بقره، آیه ۲۲۹). «احسان» از ریشه «حَسَن» به معنای زیبایی و نیکی است و فراتر از صرف رعایت حقوق می‌رود. در این سطح، طرفین به یکدیگر خبر می‌رسانند، برای مثال، بخشی از مهریه یا اموال را می‌بخشند، به فکر آینده مالی و معیشتی یکدیگر هستند و با احترام و بخشش از هم جدا می‌شوند. نوع دیگر طلاق اخلاقی و جمیل (جدایی زیبا) است. والاترین سطح، «سَرَّاحاً جَمِیلاً» یا جدایی زیباست (سوره احزاب، آیه ۲۸). این نوع جدایی، به ویژه در حضور فرزندان، اهمیتی دوچندان می‌یابد. در این مرتبه، طرفین نه تنها به هم آسیب نمی‌زنند، بلکه راه‌های یکدیگر را فاش نکرده، با لطف و برنامه‌ریزی برای آینده فرزندان همکاری می‌کنند و حتی به یکدیگر برای ساختن زندگی جدید یاری می‌رسانند. این رفتار از شخصیتی نشئت می‌گیرد که زیبایی و جمال الهی در وجودش متجلی شده است. تأکید قرآن بر «وَلَا تَسْوَأَا الْفُضْلَ بَيْنَهُمَا» (سوره بقره، آیه ۲۳۷) یعنی «و برزگوار و نیکی را در میان خود فراموش نکنید»، روح حاکم بر این نگاه اخلاقی است.

پایان یک فصل، نه پایان کتاب

این کارشناس حوزه خانواده در پاسخ به نگاه اسلام به طلاق توضیح می‌دهد: نگاه اسلام به طلاق، نگاهی به بن‌بست و ناامیدی نیست. احکامی مانند «عده» به عنوان یک دوره آرامش اجباری، فرصتی طلایی برای فرونشستن هیجانات، تفکر درباره عواقب و امکان بازگشت بدون تشریفات مجدد است. اما اگر بازگشتی در کار نبود، خداوند وعده‌ای امیدبخش می‌دهد: «وَأِنْ يَتَفَرَّقَا يَغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا» (سوره نساء، آیه ۱۳۰) یعنی «و اگر آن دوازده یکدیگر جدا شوند، خداوند هر یک را از گشایش و فضل خود بی‌نیاز می‌سازد و خداوند، همواره گشایشگر و حکیم است». این آیه، پایانی بر ناامیدی است و پیامی روشن دارد: آینده در دست خداوند است.

اگر طلاق به شیوه‌ای اخلاقی و درست صورت گیرد، خداوند مسیرهای جدیدی را برای هر دو طرف خواهد گشود. بسیاری از افراد پس از یک طلاق آسیب‌زا، با پذیرش اشتباهات خود، رفع نواقص شخصیتی و دقت بیشتر، در ازدواج بعدی خود بسیار موفق‌تر عمل کرده‌اند. اسلام نیز پس از طلاق، افراد را به تجرد و انزوا تشویق نمی‌کند، بلکه اراده‌اش بر بازسازی خود و تشکیل یک زندگی جدید است. نگاه اسلام به طلاق، یک نگاه صرفاً حقوقی نیست، بلکه رویکردی چندبعدی، مترقی و عمیق است که روح حاکم بر آن، پیشگیری از آسیب در سه سطح است. ابتدا پیشگیری از وقوع طلاق از طریق اصلاح و حکمت. دیگری پیشگیری از طلاق آسیب‌زا از طریق تبیین اخلاق جدایی و در نهایت پیشگیری از آسیب‌های پس از طلاق از طریق ارائه امید و تشویق به بازسازی زندگی. این نگاه جامع که ابعاد معنوی، اخلاقی، اجتماعی و انسانی را در کنار بعد فقهی در نظر می‌گیرد، به دنبال آن است که حتی در بحرانی‌ترین موقعیت زندگی مشترک، مسیر رشد و تعالی انسان بسته نشود و کرامت انسانی حفظ شود.

«وَالصُّلْحُ خَيْرٌ»؛ منطق اسلام برای بستن راه بر جدایی

این کارشناس خانواده یادآور می‌شود: اسلام به طلاق به عنوان یک رویداد ناگهانی نمی‌نگرد، بلکه آن را آخرین مرحله از یک فرایند طولانی می‌داند که باید پس از شکست تمام تلاش‌ها برای اصلاح صورت گیرد. این نگاه، ماهیتی اخلاقی، اجتماعی و فرایندی دارد و صرفاً به ابعاد حقوقی محدود نمی‌شود. بر این اساس باید ابتدا اصلاح درونی و پیشگیری را انجام داد و رویکرد اسلام در ابتدا پیشگیرانه است. قرآن کریم پیش از آنکه اختلاف عمیق شود، زنگ خطر را به صدا درمی‌آورد: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا...» (سوره نساء، آیه ۳۵) یعنی «و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو بیم داشتید...». این آیه نشان می‌دهد که حتی ترس از وقوع اختلاف، برای آغاز فرایند اصلاح کافی است. مداخله بیرونی برای صلح (حکمت) نیز بسیار اهمیت دارد. در ادامه همین آیه، راهکار «حکمت» یا میانجی‌گری پیشنهاد می‌شود: «... فَأَعْيُوا حُكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحُكْمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا» یعنی «... یک‌دور از خانواده شهر و یک‌دور از خانواده زن انتخاب کنید [تا به کار آنان رسیدگی کنند]. اگر این دودور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنان کمک می‌کند». اراده اولیه و اصلی در این مداخله، اصلاح و برقراری صلح است، نه زمینه‌سازی برای جدایی. قرآن در جای دیگر نیز با صراحت می‌فرماید: «... وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (سوره نساء، آیه ۱۲۸) یعنی «... و صلح بهتر است». این صلح به معنای چشم‌پوشی از مشکلات و تحمل آسیب نیست، بلکه به معنای ریشه‌یابی تعارض‌ها و تلاش برای رفع آن‌هاست. در نهایت نیز رسیدن به عزم طلاق بیان شده است. یعنی اگر تمام راه‌های اصلاح به بن‌بست رسید، اسلام فرد را به عزم طلاق دعوت می‌کند. عزم به معنای یک تصمیم آگاهانه، محکم و شفاف است که پس از بررسی تمام جوانب، سود و زیان‌ها و رویارویی منطقی با مشکلات اتخاذ می‌شود. قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (سوره بقره، آیه ۲۲۷) یعنی «و اگر تصمیم قطعی به طلاق گرفتند، [بدانند که] خداوند شنو و داناست». این آیه نشان می‌دهد که طلاق نباید تصمیمی هیجانی و مبتنی بر احساسات ناخوشایند آنی باشد، بلکه باید حاصل یک فرایند پختگی فکری باشد.

یک جدایی سالم و جوان‌مردانه

او یادآور می‌شود: چنانچه جدایی اجتناب‌ناپذیر باشد، اسلام برای آن نیز ابعاد اخلاقی و انسانی تعریف می‌کند تا آسیب‌های ناشی از آن به حداقل برسد. این رویکرد را می‌توان در سه سطح دسته‌بندی کرد. ابتدا اطلاق ایمن و به معروف (جدایی جوانمردانه) است. پایین‌ترین سطح اخلاقی طلاق، جدایی «به معروف» است. قرآن می‌فرماید: «... فَأَمَّا كَإِذَا بَعَّرَ أَوْ تَسْرِيحُ بِمَعْرُوفٍ...» (سوره بقره، آیه ۲۳۱) یعنی «... یا آن‌را به طرز شایسته نگه‌دارید، یا به طرز شایسته رها سازید...». جدایی به معروف یعنی ظلم نکردن، آسیب نزدن، اتهام نزدن و پرهیز از رفتارهای ناشایست (منکر). این یک جدایی سالم و جوانمردانه

زاده خلیلی اطلاق، تنها یک واقعه حقوقی یا پایان یک قرارداد نیست؛ شکافی عمیق در مقدس‌ترین پیمان انسانی و بحرانی است که می‌تواند پایه‌های عاطفی، اجتماعی و حتی هویتی افراد را متزلزل کند. در نگاه نخست، آموزه‌های دینی با تأکید بر قداست خانواده و عباراتی چون «لرزیدن عرش الهی»، طلاق را پدیده‌ای ویرانگر و به شدت مذموم معرفی می‌کنند. اما همین دین، در اوج نگاه تقدس‌گرایانه به خانواده، راه خروج از یک رابطه غیرقابل تحمل و آسیب‌زا را مسدود نکرده است. برای واکاوی این نگاه عمیق و فهم نقشه راه اسلام در مواجهه با طلاق، از مراحل پیشگیری و اصلاح تا آداب یک جدایی محترمانه و امیدبخشی به آینده با حجت الاسلام والمسلمین رضا یوسف زاده، عضو هیئت علمی خانواده مراکز مشاوره حوزه‌های علمیه کشور (سماح) به گفت‌وگو نشستیم تا با ابعاد پنهان این رویکرد جامع را روشن سازیم.



حلالی که قلب دین را به درد می‌آورد

حجت الاسلام والمسلمین یوسف زاده نخستین و کلیدی‌ترین نکته در تبیین نگرش اسلام به طلاق را درک ماهیت دوگانه آن ذکر می‌کند و توضیح می‌دهد: طلاق در شریعت اسلام، امری حلال و مجاز شمرده شده است؛ بنابراین، ارتکاب آن گناه یا خطایی بزرگ محسوب نمی‌شود. این جواز، راه را برای خروج از زندگی‌های مشترک طاقت‌فرسا و آسیب‌زا باز می‌گذارد. با این حال، همین امر حلال، در روایات با عنوانی سنگین توصیف شده است: «أَبْغَضُ الْحَلَالِ إِلَى اللَّهِ الطَّلَاقُ»، یعنی «منفورترین و مبغوض‌ترین حلال نزد خداوند، طلاق است». این تعبیر نشان‌دهنده یک تعادل ظریف است؛ اسلام نه راه را به کلی می‌بندد و نه آن را تشویق می‌کند، بلکه با صفت «أَبْغَضُ»، سنگینی و کراهت شدید خود را از وقوع آن اعلام می‌دارد. نگاه اسلام آن است که تا حد امکان، این جدایی نباید رخ دهد و طلاق، نه یک راه حل اولیه، بلکه گزینه‌ای اضطراری و آخرین راهکار در شرایطی است که هیچ مسیر دیگری برای اصلاح باقی نمانده باشد. برای درک عمق ناخشنودی اسلام از طلاق، باید ابتدا به جایگاه ازدواج نگرست. ازدواج از منظر قرآن، صرفاً یک قرارداد حقوقی و اجتماعی نیست، بلکه یک «مِيثَاقًا غَلِيظًا» (سوره نساء، آیه ۲۱) یعنی پیمانی مقدس، محکم و استوار است. کارکرد اصلی این پیمان، رسیدن به آرامش (سکینه)، مودت و رحمت است. این کانون به قدری ارزشمند است که نه تنها از هم‌پاشیدن آن، بلکه حتی سست کردن پایه‌های آن نیز به شدت ناپسند شمرده می‌شود. در روایات آمده است که با وقوع طلاق، عرش الهی به لرزه درمی‌آید. این تعبیر نمادین نشان می‌دهد که طلاق تنها یک آسیب فردی برای دو نفر نیست، بلکه گسستی در نظم معنوی و اجتماعی مطلوب خداوند ایجاد می‌کند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، خانواده، سلول بنیادین جامعه اسلامی است و اگر این سلول بیمار شود، تمام پیکره اجتماع متأثر خواهد شد.

اگر تمام راه‌های اصلاح به بن‌بست رسید، اسلام فرد را به عزم طلاق دعوت می‌کند. عزم به معنای یک تصمیم آگاهانه، محکم و شفاف است که پس از بررسی تمام جوانب، سود و زیان‌ها و رویارویی منطقی با مشکلات اتخاذ می‌شود.